



دوره ۵۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹
صفحات ۱۸۱ تا ۲۰۵ (مقاله پژوهشی)

ارزیابی تحقیقات جنایی پرونده‌های مرگ در زندان در پرتو

اصول و موازین بین‌المللی

مهدی غلامپور*

دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

محمد فرجیها

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۶/۲۴)

چکیده

انجام تحقیقات جنایی در پرونده‌های مرگ در زندان، مستلزم رعایت شرایطی است تا در پرتو آن‌ها، شاکیان این پرونده‌ها بتوانند از حق شکایت کیفری خود بهره‌گیرند. در اسناد حقوق بشری، نظر به اهمیت رعایت حق سلامت جسمانی محکومان و بازداشت‌شدگان از سوی مقامات زندان، معیارهایی چون اصل سرعت در انجام تحقیقات، استقلال آن و نیز مشارکت شاکیان در فرایند تحقیقات، پیش‌بینی شده است. با این حال، برخی نظام‌های کیفری در عمل با ایجاد نظام‌مند برخی موانع، دسترسی بازماندگان و بزه‌دیدگان مرگ در زندان به عدالت را محدود می‌سازند. به‌حاشیه‌راندن خانواده‌ها و وکلای بزه‌دیدگان به بهانه محرمانه‌بودن تحقیقات، فقدان ساختارهای سازمانی مستقل و غیروابسته برای انجام تحقیقات و به‌طور کلی ایجاد موانع و اختلال در مسیر تحقیقات جنایی کارآمد، کشف حقیقت‌های پرونده‌های مرگ در زندان را با چالش‌های اساسی روبه‌رو می‌سازد. پرسش اصلی این مقاله این است که اصول پذیرفته‌شده در ارتباط با تحقیقات جنایی این پرونده‌ها تا چه اندازه مورد پذیرش نظام عدالت کیفری ایران قرار گرفته است. مقاله حاضر برای این پاسخ به این پرسش از روش نمونه‌پژوهی و تجزیه و تحلیل اسنادی، اسناد و مدارک، مکاتبات و گزارش‌های رسمی منتشرشده پیرامون هشت نمونه (شامل ۱۱ بزه‌دیده) از پرونده‌های مرگ در زندان در ایران استفاده کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد رعایت معیارهای مورد بحث در پرونده‌هایی که تحقیقات مربوط به آن به‌طور انحصاری توسط نظام قضایی انجام می‌پذیرد، در مقایسه با پرونده‌هایی که از دخالت فراقوه‌ای کمیته‌های ویژه دولت و مجلس در انجام تحقیقات برخوردارند، دارای اختلافی معنادار هستند. در حالی که تأخیر ناموجه در انجام تحقیقات جنایی با هدف دست‌کاری در ادله، وابسته‌بودن مراجع انجام تحقیقات و عدم مشارکت دادن خانواده‌های بزه‌دیدگان تقریباً در همه پرونده‌هایی که مراجع قضایی، تحقیقات در آن‌ها را عهده دارند، مانع کشف حقیقت می‌شوند، مستقل‌بودن مراجع تحقیق، رعایت اصل سرعت در آن و مشارکت دادن خانواده بزه‌دیده یا وکیل او منجر به تحقیقاتی جامع‌تری می‌شود که بازتاب شفاف‌تری از واقعیت است.

واژگان کلیدی

تحقیقات جنایی، مرگ در زندان، اصل فوریت در تحقیق، اصل استقلال مرجع تحقیق، مشارکت بزه‌دیدگان.

* mahdigholampour66@gmail.com

مقدمه

ادعاهای مربوط به نقض حیات، به مثابه ارزشی بنیادین که همه حق‌ها بر آن استوار می‌شوند (راسخ، ۱۳۹۳: ۳۵۵)، باید به‌طور دقیق و کارآمد مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. ضرورت این تحقیق به‌ویژه زمانی بیشتر احساس می‌شود که یکی از نهادهای رسمی دارای قدرت، در معرض اتهام قرار گیرد. تلاش برای ایجاد شفافیت در مسیر انجام تحقیقات، علاوه بر افزایش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی، تا حدودی آسیب‌های روانی بازماندگان زندانی متوفی را تسکین می‌بخشد و می‌تواند پلیس، بازداشتگاه و زندان را از اتهامات ناروا مبرا سازد. در عین حال، از آنجا که معمولاً توازن قدرت بین شاکیان پرونده‌های مرگ در زندان (خانواده یا بستگان زندانی) و افراد و نهادهای در معرض اتهام، به مثابه طرف دیگر دعوی کیفری وجود ندارد، تعقیب کیفری این پرونده‌ها با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شود. در اسناد بین‌المللی ناظر بر تحقیق در پرونده‌های مرگ در زندان، استانداردهایی چون فوریت‌داشتن، مستقل و بی‌طرف بودن، و لزوم مشارکت دادن خانواده یا بستگان بزه‌دیده در طول تحقیقات مورد تأکید قرار گرفته است. ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، با تأکید بر این موضوع که «حق حیات هر شخص باید به‌وسیله قانون حمایت شود و هیچ‌کس نباید خودسرانه از حق حیات خویش محروم شود...»^۱، در واقع تعهد مثبتی را برای دولت‌های عضو برای انجام یک تحقیق جامع و اثربخش، در پرونده‌های مرگ در زندان مقرر داشته است. دیوان اروپایی حقوق بشر در یک پرونده مقرر داشته است که «برای تحقق ماده ۲، تحقیقات جنایی باید الف) به ابتکار خود دولت آغاز شده باشد؛ ب) هم به‌لحاظ سازمانی و هم در عمل مستقل باشد؛ پ) قادر به تعیین حدود مسئولیت و کیفر افراد مسئول باشد؛ ت) فوری باشد؛ ث) بررسی علنی کافی برای تضمین پاسخ‌گویی را رعایت کند و ج) به بستگان متوفی اجازه مشارکت در فرایند تحقیقات جنایی داده شود» (Edwards v. UK, 2002). به‌طور مشابه عفو بین‌الملل نیز در ارتباط با تحقیقات جنایی در پرونده‌های مرگ در زندان بیان داشته است که «فقدان سرعت در تحقیقات، عدم جامعیت، غیرمستقل و غیرشفاف بودن تحقیقات به‌ویژه در مواردی که بدفتاری‌هایی با بازداشت‌شدگان منجر به مرگ آن‌ها می‌شود، نگرانی‌ها را افزایش می‌دهد» (Amnesty International, 1997).

نمونه‌پژوهی‌های انجام‌شده در مورد پرونده‌های مرگ در زندان بیانگر آن است که تحقیقات مقدماتی این پرونده‌ها سازگاری چندانی با استانداردهای بین‌المللی ندارد. این مقاله می‌کوشد تا ضمن معرفی این اسناد و بررسی اصول و موازین به‌رسمیت شناخته‌شده در آن‌ها، با استفاده از روش نمونه‌پژوهی، نظام تحقیقات جنایی پرونده‌های مرگ در زندان در ایران را در پرتو آن اصول

۱. به‌طور مشابه ر.ک: ماده ۴ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۴ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها.

مورد ارزیابی قرار دهد. بر این پایه، مقاله ابتدا به اصل سرعت، استقلال، مشارکت داشتن بستگان بزه‌دیده در فرایند تحقیقات و نیز تعیین‌کننده بودن تحقیق با تکیه بر مهم‌ترین اسنادی که در این زمینه وجود دارند می‌پردازد و در ادامه، هرکدام از اصول مذکور را در پرتو مطالعه میدانی به روش کیفی در ارتباط با پرونده‌های ایران مورد تحلیل قرار می‌دهد.

۱. ادبیات نظری تحقیق

تحلیل ادبیات مرتبط با تحقیقات جنایی پرونده‌های مرگ در زندان، نشان‌دهنده تأکید اسناد بین‌المللی مرتبط با آن‌ها به‌طور ویژه بر چهار اصل سرعت، استقلال، مشارکت خانواده یا وکلا و نیز تعیین‌کنندگی و جامعیت تحقیقات است. بررسی هرکدام از اصول چهارگانه مذکور محتوای این قسمت را تشکیل می‌دهد.

۱-۱. اصل سرعت در تحقیق

به‌طور کلی رعایت اصل سرعت با هدف پیشگیری از امحای آثار جرم و ممانعت از فرار و یا مخفی شدن متهم، یکی از ویژگی‌های شناخته‌شده تحقیقات مقدماتی است (آخوندی، ۱۳۸۴: ۲۰). در نظام کیفری ایران از قانون اصول محاکمات جزایی^۲ تا آخرین تحولات قانون‌گذاری شکلی در سال ۱۳۹۲،^۳ لزوم تسریع در انجام تحقیقات مقدماتی مورد تأکید قانون‌گذاران بوده است. پس از وقوع مرگ یک زندانی و متعاقب آن اطلاع خانواده یا بستگان او، صرف‌نظر از علت واقعی آن؛ اعم از مجرمانه (مانند مرگ در پی شکنجه و بدرفتاری با زندانی یا خشونت منجر به ضرب و جرح‌های منتهی به مرگ از سوی سایر زندانیان) یا غیرمجرمانه بودن آن (مانند خودکشی، بیماری زندانی و یا مصرف بیش از اندازه مواد مخدر و الکل)، مدیران زندان وظیفه دارند شرایط مناسبی را برای انجام یک تحقیق جامع و اثربخش فراهم آورند.

تأکید بر رعایت اصل سرعت در انجام تحقیقات در پرونده‌های مرگ در زندان شاید ریشه در این واقعیت دارد که محل وقوع حادثه در این پرونده‌ها، درون محیط بسته زندان و به‌دور از دید عموم است و امکان از بین بردن آثار جرم و دست‌کاری صحنه مرگ برای وارونه جلوه‌دادن حقیقت به‌راحتی امکان‌پذیر است. همچنین، احتمال تبانی با شهود احتمالی (برای مثال سایر زندانیان) یا تهدید آن‌ها (برای نمونه افسران رده‌پایین یا زندانیانی که شاهد سوءرفتارهایی مرگبار با زندانی بوده‌اند) به‌ویژه در مواردی که مرگ زندانی منتسب به شیوه رفتار مقام‌ها یا کارکنان زندان است،

۱. ماده ۵۸ آن قانون بیان می‌داشت: «تحقیقات مقدماتی باید به‌قدر امکان سریع باشد و لذا، روزهای تعطیل مانع تحقیقات نمی‌شود.»

۲. ماده ۹۴ این قانون بیان می‌دارد: «تحقیقات مقدماتی باید به‌سرعت و به‌نحو مستمر انجام شود و ایام تعطیل مانع انجام آن نیست.»

وجود دارد. در بریتانیا تحت تأثیر پرونده جردن علیه بریتانیا (Jordan v. United Kingdom, 2001) پنج اصل تحت عنوان اصول جردن مورد شناسایی قرار گرفته است که اصل سرعت در تحقیقات جنایی پرونده‌های مرگ در زندان یکی از آن اصول است (Adeleke et al., 2015: 38). حضور مرجع انجام تحقیق در نخستین «ساعت طلایی»^۱ پس از وقوع مرگ در زندان برای حفظ ادله اهمیتی اساسی دارد (Strong, 2011: 41). ازدست‌ندادن زمان و شروع نخستین بررسی‌ها به‌محض وقوع حادثه، امکان صحنه‌سازی‌ها و دروغ‌پردازی‌های بعدی را کاهش می‌دهد. رهنمودهای دیوان اروپایی حقوق بشر در ارتباط با ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز بیان می‌دارد: «دیوان به‌رغم پذیرش این موضوع که در مواردی ممکن است وجود برخی موانع و دشواری‌ها، انجام تحقیقات را در پرونده‌ای خاص از سرعت باز دارد، اما این موضوع را نیز مورد توجه قرار می‌دهد که پاسخی سریع از سوی مقامات در تحقیق از یک پرونده استفاده مرگبار از زور نه‌تنها می‌تواند در ارتباط با حفظ اعتماد عمومی در خصوص وفاداری آن‌ها به حاکمیت قانون ضروری تلقی شود، که مانع شکل‌گیری هرگونه تصویری در خصوص تبانی مقامات برای تحمل رفتاری غیرقانونی می‌گردد» (European Court of Human rights, 2018: 33). از همین رو، «پروتکل مینه‌سوتا در مورد تحقیقات از مرگ‌های احتمالاً غیرقانونی» در بند ۲۳ خود در ارتباط با لزوم فوریت‌داشتن تحقیقات، به‌مثابه یکی از اصول پایه تحقیقات در این پرونده‌ها بیان می‌دارد: «حق حیات و [حق بر] جبران اثربخش خسارت، آنگاه که تحقیقات از مرگ‌های احتمالاً غیرقانونی، به‌فوریت انجام نشود، نقض می‌شوند. مقام‌های تحقیق باید در اولین زمان ممکن تحقیق را شروع و بدون تأخیر توجیه‌ناپذیر ادامه دهند. کارکنان یا افرادی که اطلاع از مرگ احتمالاً غیرقانونی دارند [نیز] باید بدون تأخیر آن را به مقام ارشد خود یا مقام صلاحیت‌دار گزارش دهند. قصور نهادهای رسمی در انجام فوری تحقیقات، این نهادها را از انجام تحقیقات با تأخیر معاف نمی‌کند؛ تکلیف بر تحقیق حتی با گذشت زمان قابل توجه ساقط نمی‌شود.»

پروتکل مینه‌سوتا نیز در عین تأکید بر فوریت تحقیقات به‌مثابه یکی از اصول حاکم بر آن‌ها، به این نکته نیز می‌پردازد که «فوریت تحقیق [البته] توجیه‌کننده یک تحقیق شتاب‌زده و بیش از اندازه عجولانه نیست.» از طرفی مقام‌های قضایی هم نباید با استناد به ضرورت کشف حقیقت و حل معماهای موجود در پرونده، اصل رسیدگی سریع را به فراموشی بسپارند. هر میزان انجام تحقیقات این پرونده‌ها به‌طور ناموجه مشمول گذر زمان قرار گیرد، امکان دست‌کاری ادله و ناهموارشدن مسیر کشف حقیقت بیشتر خواهد بود. در این شرایط شاکیان پرونده ممکن است به این برداشت برسند که در نهادهای رسمی انجام تحقیقات جنایی، اراده‌ای جدی برای انجام یک رسیدگی

منصفانه وجود ندارد. برعکس از دست‌ندادن عامدانه زمان و انجام بررسی‌ها و اقدامات لازم در سریع‌ترین زمان، آن‌ها را از وجود چنین اراده‌ای مطمئن می‌سازد.

۲-۱. اصل استقلال مراجع انجام تحقیقات

استقلال مراجع مسئول انجام تحقیقات جنایی در واقع به معنی نفی هرگونه وابستگی این نهادها به فرد یا سازمانی است که خود در معرض اتهام احمال و سهل‌انگاری یا مشارکت عامدانه در وقوع مرگ قرار دارد. به نظر می‌رسد ریشه این اصل را باید در قاعده بی‌طرفی^۱ جست‌وجو کرد. این قاعده به‌عنوان یکی از اصول عدالت طبیعی بیانگر این آموزه قدیمی است که «هیچ‌کس نمی‌تواند در موردی که خود در آن ذی‌نفع است، قاضی باشد»^۲. بنابراین، از آنجا که چنین شخصی بالقوه در معرض طرف‌داری و قضاوت غیرمنصفانه در جهت حمایت از منافع شخصی‌اش اعم از منافع مالی، سیاسی و غیره است، عدالت طبیعی اقتضا می‌کند که نتواند در چنین دعوایی نقش قاضی را داشته باشد (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۰: ۹۳).

استقلال در انجام تحقیقات نه‌تنها در سطح اشخاص مسئول انجام تحقیق حائز اهمیت است که فراتر از آن موضوعی مربوط به فرهنگ و استفاده مناسب از قدرت‌ها است (Lindon & Roe, 2017: 55). مأموران مسئول تحقیق در پرونده‌های مرگ در زندان باید از افرادی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در وقوع حادثه سهمیم بوده‌اند، مستقل باشند. آن‌ها باید به‌لحاظ سازمانی وابستگی نداشته و در عمل هم استقلال خود را نشان دهند (House of Lords/House of Commons Joint Committee on Human Rights, 2004). فرایندهای داخلی، همچون بررسی‌های درون‌سازمانی از سوی پلیس، یا شخصی منصوب از جانب وزیر به‌ندرت این ظرفیت را دارد تا الزامات ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مورد تحقیقی مستقل و مؤثر را جامه عمل بپوشاند (Martynowicz, 2011: 92).

وَنگمُو^۳ و همکارانش در یک تحقیق جامع که حاصل مصاحبه با ۳۳ نفر از پزشکان قانونی، وکلا، مدیران زندان و اداره حقوق بشر داخلی در ارتباط با تحقیقات جنایی پرونده‌های مرگ در زندان بود، به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین موضوع در مورد تحقیق از این پرونده‌ها این است که چه کسی مسئولیت تحقیق را بر عهده دارد. نکته دیگری که در این تحقیق مورد توجه برخی از مصاحبه‌شوندگان قرار می‌گرفت، وضعیت افراد و نهادهایی همچون پلیس، وکلا و پزشکان قانونی بود که در نظام کیفری عهده‌دار وظیفه بودند؛ اینکه آیا آن‌ها حسب قانون و در عمل از این استقلال برخوردار هستند تا تحقیقی مناسب را انجام دهند یا خیر. این مسئله به‌ویژه زمانی مطرح می‌شود

1. Rule against bias
2. Nemo iudex in case sue
3. Wangmo

که افراد مسئول تحقیق در پرونده‌های مرگ در زندان تحت نفوذ اقتدار همان مرجعی قرار دارند که مسئولان مرگ را تحت کنترل خود دارند؛ مانند واگذاری مسئولیت انجام تحقیقات پزشکی به نهادی که کارکنان آن خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در معرض اتهام مشارکت در وقوع حادثه قرار دارند.

وقتی پلیس از پلیس تحقیق و بازرجویی می‌کند، این در واقع پلیس است که از خود بازرجویی می‌کند. از این رو، در واقع نهاد مستقلی نه برای تحقیق از پلیس وجود دارد و نه برای تحقیق در ارتباط با مرگ در زندان (Wangmo et al., 2014: 35). وابسته‌بودن نهاد مسئول انجام تحقیقات و رسیدگی به تخلفات و جرائم کارکنان پلیس به خود این سازمان دو پیامد منفی دارد: نخست آنکه مأموران پلیس با اطمینان از جدی‌نبودن رسیدگی‌های مستقل، با جسارت و آزادی عمل بیشتری حقوق و آزادی‌های عمومی را نادیده می‌گیرند و از سوی دیگر، قضاوت‌های جانب‌دارانه از سوی نهادهای وابسته به پلیس، موجب بدبینی مردم نسبت به کل نظام عدالت کیفری و زیرسؤال‌رفتن مشروعیت پلیس خواهد شد (فرجیها و مقدسی، ۱۳۸۸: ۱۸). از این رو، برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که برای حفظ استقلال نظام رسیدگی به تخلف‌های پلیس باید حضور افسران وابسته به پلیس در این نهادها به حداقل ممکن کاهش یابد. به باور طرف‌داران این اندیشه، واگذاری تحقیق و رسیدگی به شکایت از پلیس به این سازمان مانند آن است که تحقیق در مورد سرقت از لانه مرغ‌ها را به روباه بسپاریم. تحت تأثیر فرهنگ سازمانی مبنی بر حمایت از همکاران در سازمان پلیس، افسران مأمور انجام تحقیق نسبت به رفتار نامناسب و غیرقانونی همکاران خود چشم‌پوشی خواهند کرد. اتخاذ این شیوه موجب تداوم سوءاستفاده پلیس شده و نوعی مصونیت برای مأموران متخلف ایجاد می‌کند (هس و میلر، ۱۳۸۲: ۹۹). در انگلستان، اگرچه گزارش‌های رسمی بیان می‌دارند که برای مثال از هر ۲۳ مرگ در زندان‌های این کشور در سال ۲۰۱۷ همه پرونده‌ها به‌طور مستقل مورد تحقیق قرار گرفته‌اند (Independent office for police conduct, 2017: 15)، اما یافته‌های یکی از مؤسسات غیردولتی فعال در زمینه ارائه مشاوره به خانواده‌هایی که یکی از اعضای خود را در زندان از دست داده‌اند، نشان می‌دهد که در عمل فقدان استقلال در انجام تحقیقات مقدماتی به‌مثابه یکی از موانع اصلی انجام یک تحقیق جدی و اثربخش است. تحقیقات مستقل به‌موجب یافته‌های این مؤسسه به‌صورت یک موضوعی نادر و استثنایی باقی مانده است که اصولاً همراه با رویه‌های داخلی و مشارکت محدود خانواده‌ها قابل توصیف است (INQUEST, 2016: 6).

۳-۱. اصل مشارکت خانواده‌ها در فرایند تحقیقات

نه تنها حق شکایت کیفری خانواده یا بستگان متوفی از نهاد یا افرادی که در مظان اتهام قرار دارند،

باید به موجب قوانین داخلی به رسمیت شناخته شود که در عمل هم باید سازوکارهای لازم برای دسترسی آن‌ها به عدالت پیش‌بینی و اجرا شود. «رهنمودهای تحقیقات مقدماتی برای پرونده‌های مرگ در زندان» در بند ۱-۱ در ارتباط با اهداف تحقیق بیان می‌دارد تحقیقات می‌تواند با هدف کاهش فشارهای روانی وارده بر بستگان متوفی و جبران خسارت‌ها انجام پذیرد. در واقع، برخوردارشدن خانواده بزه‌دیده از درکی شفاف‌تر نسبت به اوضاع و احوال پیرامون مرگ می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا با رنج خود کنار بیایند. این سند در ذیل بند ۳-۲ تحت عنوان استانداردهای اساسی برای تحقیق از پرونده‌های مرگ در زندان، به‌عنوان یکی از معیارهای اثربخش بودن تحقیقات بیان می‌دارد: «بستگان بزه‌دیده باید در فرایند تحقیقات مشارکت داده شوند، خدمات حقوقی دریافت کنند و به پرونده دسترسی داشته باشند. آن‌ها همچنین، باید مجاز باشند که نماینده پزشکی یا دیگر نماینده صلاحیت‌دار به‌هنگام کالبدگشایی داشته باشند.» حضور نماینده‌ای از طرف بزه‌دیدگان در هنگام کالبدگشایی از طرفی امکان سوءاستفاده‌های احتمالی و کتمان واقعیت‌ها و جزئیات پیرامون مرگ را کاهش می‌دهد و از طرف دیگر، با ایجاد شفافیت برای نماینده بزه‌دیدگان، نظام عدالت کیفری را از اتهامات ناروا می‌رهاند. توضیح آنکه انجام عملیات کالبدگشایی برای کشف علت مرگ در محیطی بسته و به‌دور از حضور نماینده‌ای از طرف بزه‌دیده، در صورت منتهی‌شدن به نتیجه‌ای غیر از آنچه مورد انتظار بزه‌دیده است، موجب شبهه دست‌کاری در فرایند کشف حقیقت برای آن‌ها است. حضور نماینده‌ای متخصص از سوی بزه‌دیده، با حفظ استقلال و امنیت او می‌تواند تا حد زیادی هم امکان سوءاستفاده‌های احتمالی را کاهش دهد.

موضوع مشارکت دادن اعضای خانواده بزه‌دیدگان در بند ۳۵ پروتکل مینه‌سوتا نیز مورد تأکید قرار گرفته است: «مشارکت اعضای خانواده یا دیگر بستگان نزدیک زندانی فوت‌شده، عنصر مهمی از یک تحقیق اثربخش است. دولت باید همه بستگان نزدیک را قادر بسازد تا به‌طور مؤثری در فرایند تحقیقات مشارکت داشته باشند.» اختصاص یک فضای ویژه در تالار پزشکی قانونی برای اعضای خانواده در نظر عموم و خود خانواده تلویحاً به این معنا است که جایگاه آن‌ها به رسمیت شناخته شده است. در عوض، از فقدان یک جای مشخص برای آن‌ها می‌توان این‌گونه دریافت که هیچ جای به رسمیت شناخته‌شده‌ای برای آن‌ها در فرایند تحقیقات وجود ندارد (Beckett, 1999: 277). برای سال‌ها، خانواده‌ها از سوی مقام‌های قضایی رسیدگی‌کننده به این پرونده‌ها، به حاشیه رانده می‌شدند. گاه حتی زندانی متوفی و خانواده او مقصر دانسته می‌شدند، اما سماجت و پایداری آن‌ها نقش مهمی در جلب توجه کنشگران ملی و بین‌المللی نسبت به فقدان نقشی مستقل در فرایند رسیدگی و نیز بدرفتاری و قصور مسئولان بازداشتگاه‌ها و بی‌تفاوتی نهادی نسبت به این مرگ‌ها

داشته است (Shaw & Coles, 2007: 11). در حالی که برخی یافته‌های برخی مطالعات نشان می‌دهند که در بریتانیا، خانواده‌ها از این حق برخوردارند که پیش از انتشار عمومی گزارش رسمی از یافته‌های تحقیقات مقدماتی نظر خود را ابراز کنند (Rogan, 2012: 14)، یافته‌های مؤسسه «اینکوئست» در انگلستان و ولز نشان می‌دهد که به خانواده‌ها به‌طور مناسب، اطلاعی در مورد فرایند تحقیقات داده نمی‌شود. آن‌ها در جریان قرار نمی‌گیرند که تحقیقات به چه نتیجه‌ای منتهی می‌شود، تحقیقات دنبال چه اهدافی است و چه کسی مسئول شناخته شده است (INQUEST, ibid: 8). در عمل بسیاری از خانواده‌ها احساس می‌کنند که نیازهای آن‌ها از سوی نهادهایی که بیشتر نگران دفاع از حیثیت خود هستند تا درس‌گرفتن از اشتباهاتشان، در رده کم‌اهمیت‌ترین اولویت‌ها طبقه‌بندی شده است (Angiolini, 2017: 23).

میزان همکاری نهادهای قضایی با وکلای بزه‌دیدگان نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از شاخص‌های اثربخش بودن تحقیقات جنایی مطرح شود. بدیهی است هر میزان تعهد نهادهای قضایی بر «شفافیت»^۱ و «پاسخ‌گویی»^۲ به‌مثابه دو اصل اساسی در تحقیقات و رسیدگی این پرونده‌ها بیشتر باشد، مداخله وکیل در تحقیقات و مشارکت او در کشف حقیقت بیشتر و اثربخش‌تر خواهد بود؛ برعکس، هرگاه نهادهای مسئول تحقیقات جنایی سعی در پوشاندن حقایق پیرامون مرگ داشته باشند، دسترسی وکیل به پرونده با محدودیت بیشتری روبه‌رو خواهد شد و در نتیجه، مشارکت او در روند تحقیقات به سطح پایین‌تری خواهد رسید. در حقیقت از آنجا که همیشه امکان بی‌مبالاتی یا قصور از جانب دولت در ارتباط با مرگ افراد در زندان محتمل است، مشارکت داشتن فعال خانواده‌ها برای فهم شرایط و اوضاع و احوال پیرامون مرگ، پاسخ‌گونی نمودن مقام‌های مسئول و افزایش مشروعیت فرایند تحقیق حائز اهمیت است (Easton, 2017: 1).

۴-۱. اصل تعیین علت فوت و مسئول آن

مرگ‌هایی که در زندان در اثر اقدام‌های حکومت، دولت یا مقام‌های رسمی رخ داده باشد، باید به‌طور کامل و مستقل برای کشف تقصیر، درس‌گرفتن برای آینده و اطمینان‌دادن به افکار عمومی مورد رسیدگی قرار گیرد (Bollmann et al., 2018: 232). «تحقیقات جنایی این پرونده‌ها باید به‌طور کامل دربرگیرنده تمام جزئیات و مسائل پیرامون مرگ باشد. «رهنمودهای تحقیقات مقدماتی برای پرونده‌های مرگ در زندان»، هدف بی‌واسطه تحقیقات در این پرونده‌ها را در بند ۱.۱، تعیین شرایط و اوضاع و احوال مرگ دانسته است. تحقیقات باید حقایق پیرامون مرگ، علت و شیوه وقوع آن، زمان و مکان و نیز گستره دخالت تمام آن‌هایی که در مرگ (فرد بازداشت‌شده) دخیل بوده‌اند

1. Transparency
2. Accountability

را مشخص سازد. همچنین، باید بین مرگ طبیعی، اتفاقی، خودکشی و قتل عمد تفاوت گذاشته شود.»

دیوان اروپایی حقوق بشر در یک پرونده، هدف اساسی از یک تحقیق در این پرونده‌ها را اجرای مؤثر قوانین داخلی که از حق حیات حمایت می‌کنند و نیز تضمین پاسخ‌گویی دولت در قبال مرگ‌هایی که تحت مسئولیت او اتفاق افتاده است، دانست (Chevalier-Watts, J, 2010: 712). در واقع، انتظار خانواده یا بستگان بزه‌دیدگان مرگ در زندان از انجام تحقیقات جنایی، کشف علت واقعی مرگ بزه‌دیده و یافتن پاسخ‌هایی برای سؤالاتی در ارتباط با چرایی؟ چه زمانی؟ تحت چه شرایطی؟ و نیز روشن‌شدن مسئول یا مسئولان مرگ و حدود مسئولیت هرکدام از آنها است. مبهم‌ماندن نتیجه تحقیقات، در هاله‌ای از ابهام پیچاندن زوایای مختلف آن و بی‌پاسخ‌گذاشتن سؤالات خانواده‌های بزه‌دیدگان، آنها را از دسترسی به عدالت مأیوس می‌سازد.

۲. پیشینه تحقیق

در میان نوشتگان فارسی هیچ اثری اعم از مقاله، کتاب، پایان‌نامه یا رساله در ارتباط با تحقیقات مقدماتی در پرونده‌های مرگ در زندان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال، به زبان انگلیسی می‌توان گزارش‌های رسمی و نیز گزارش‌های مستقل از پرونده‌های مرگ در زندان را مشاهده نمود که برخی از آنها در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته و در فهرست منابع به آنها اشاره شده است. مقاله پروفیسور بکت^۱ با عنوان «مرگ در زندان و نظام تحقیق» در سال ۱۹۹۹، به بررسی نقش مأموران تحقیق از مرگ‌های مشکوکی که در زندان اتفاق می‌افتد و همچنین، مسائل مربوط به استقلال در تحقیقات پزشکی از پرونده‌های مرگ در زندان پرداخته است. کتاب «کشف حقیقت، تجربه خانواده‌ها از تحقیقات جنایی در پرونده‌های مرگ در زندان»، نوشته هلن شاول^۲ و دیورا کولس^۳ در سال ۲۰۰۷، یکی از منابع پراچاع در این زمینه است. نویسندگان کتاب، تجربه‌های فعالیت خود در مؤسسه غیردولتی اینکوئست انگلستان، در ارتباط با چالش‌های خانواده‌های بزه‌دیدگان مرگ در زندان در فرایند تحقیقات جنایی این پرونده‌ها را در پرتو اصول بین‌المللی حاکم بر آنها مورد تحلیل قرار داده‌اند. رساله دکتری «جوانا استون» با عنوان «تأثیر مشارکت خانواده‌های بزه‌دیده در فرایند تحقیق از پرونده‌های مرگ در زندان در انگلستان و ولز» که در سال ۲۰۱۷ در دانشگاه «اسکس» انگلستان از آن دفاع کرده، از موارد پیشینه تحقیق در این زمینه هستند. این رساله مشارکت خانواده‌ها و بستگان بزه‌دیدگان مرگ در زندان را در پرتو اصل

1. Beckett
2. Helen Shaw
3. Deborah Coles

مشارکت آن‌ها در فرایند تحقیقات جنایی این پرونده‌ها در زندان‌های انگلستان و ولز مورد ارزیابی قرار داده است.

۳. روش تحقیق

برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز برای پاسخ‌گویی به پرسش اصلی تحقیق در این خصوص که استانداردهای بین‌المللی در ارتباط با تحقیقات جنایی ناظر بر پرونده‌های مرگ در زندان تا چه اندازه در نمونه‌های مورد مطالعه در ایران رعایت شده است، از روش نمونه‌پژوهی استفاده شده است. نمونه‌پژوهی، یک کاوش تجربی کیفی است که از منابع و شواهد چندگانه برای بررسی یک پدیده موجود در زمینه واقعی‌اش استفاده می‌کند. تحقیق کیفی با داده‌هایی سروکار دارد که واقعیت‌های مورد مطالعه را به صورت کلامی، تصویری یا امثال آن (نه کمی و عددی) نمایان کرده و مورد تحلیل قرار می‌دهد. این نوع تحقیق بر معنایی که افراد ذی‌ربط از پدیده مورد مطالعه در ذهن دارند، تأکید دارد. نمونه‌پژوهی معمولاً بر استدلال استقرایی تکیه دارد. این روش به دنبال آزمون فرضیه‌های از پیش تعیین شده نیست، بلکه با بررسی داده‌ها «اصول و تعمیم‌ها» را به دست می‌دهد. این روش پژوهشگر را با طیف وسیعی از شواهد، اسناد و مدارک، مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند، و مشاهده مستقیم مواجه می‌سازد. در این روش، هرچه روش‌های جمع‌آوری داده‌ها متنوع‌تر باشد، اعتبار یافته‌های تحقیق بیشتر خواهد بود. با این همه، باید بخاطر داشت، روش نمونه‌پژوهی امکان تعمیم داده‌ها را فراهم نمی‌سازد؛ زیرا فقط بر روی یک یا چند نمونه خاص و در یک مقطع زمانی انجام می‌شود. اگر هدف اصلی پژوهشگر، ارائه گزاره‌های هنجاری متکی بر آمار، جداول و نمودارها، درباره فراوانی وقوع یک پدیده در یک جمعیت تعریف شده باشد، مناسب‌تر است از روش‌های کمی مانند تحلیل داده‌های آماری و پرسش‌نامه استفاده کند.

در این مقاله علاوه بر پرداختن به اسناد بین‌المللی مرتبط مانند «رهنمودهای تحقیقات مقدماتی برای مرگ‌های در زندان»^۱ و «پروتکل مینه‌سوتا در مورد تحقیقات از مرگ‌های احتمالاً غیرقانونی»^۲

1. Guidelines for investigating deaths in custody, 2013:

مجموعه‌ای است از رهنمودهای مصوب کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۲۰۱۳ برای حمایت از منافع تمام افراد درگیر در پدیده مرگ در زندان شامل خود متوفی، بستگان او، مقامات سالب آزادی و جامعه به‌طور کلی، از طریق انجام تحقیقاتی مستقل و بی‌طرف از این پدیده و با هدف پیشگیری از وقوع اتفاقات مشابه.

2. The Minnesota protocol on the investigation of potentially unlawful deaths, 2016:

نسخه به‌روزشده راهنمای سال ۱۹۹۱ سازمان ملل در زمینه پیشگیری مؤثر از اعدام‌های خودسرانه و غیرقانونی که شامل مجموعه‌ای از رهنمودهای بین‌المللی برای تحقیق از مرگ‌های مشکوک، به‌ویژه مرگ‌هایی است که احتمال مسئولیت دولت به‌نحو ایجابی یا سلبی در آن‌ها وجود دارد.

به‌مثابه دو سندی که در نظام حقوق بین‌الملل به‌طور مشخص در ارتباط با تحقیقات جنایی این پرونده‌ها به تصویب رسیده‌اند، تلاش شد شاخص‌ها و معیارهای تحقیقات جنایی اثربخش استخراج شده و پس از تلفیق آن با تجربه‌های مطالعات تطبیقی در خصوص هریک از این شاخص‌ها، سرفصل‌های ادبیات تحقیق در ذیل چهار اصل مذکور سازمان‌دهی شود. سپس با استفاده از روش تجزیه و تحلیل اسنادی، اسناد و مدارک، مکاتبات و گزارش‌های رسمی منتشره پیرامون هشت نمونه (شامل ۱۱ بزه‌دیده) از پرونده‌های مرگ در زندان در ایران مورد واکاوی قرار گرفت و به‌عنوان یافته‌های تحقیق در چهار بخش متناظر با همان اصول ارائه شد. با توجه به مشکلات دسترسی به اسناد و مدارک مرتبط با پرونده‌های مرگ در زندان تلاش شد از میان نمونه‌های موجود، پرونده‌هایی در اولویت قرار گیرند که امکان دسترسی به اسناد و مدارک مورد نیاز برای تحلیل و وکلای مدافع و خانواده بزه‌دیده برای مصاحبه وجود دارد. در بخش نخست یافته‌های تحقیق، وضعیت تحقیقات جنایی پرونده‌های مرگ در زندان از منظر اصل سرعت در تحقیقات جنایی مورد ارزیابی قرار گرفت و ضمن اشاره به واکنش‌های دوگانه نهادهای رسمی در برابر این پرونده‌ها، بر این نکته تأکید شد که عدم رعایت این اصل ممکن است فرصت‌های مناسبی را برای دست‌کاری ادله و تحریف حقایق موجود فراهم سازد. در بخش دوم، بر شاخص استقلال ساختارهای سازمانی مسئول انجام تحقیقات جنایی از نهادهای در معرض اتهام سهل‌انگاری و مشارکت در مرگ‌های مجرمانه تأکید شد و نشان داده شد که میزان استقلال نهادهای مسئول انجام تحقیقات جنایی چگونه ممکن است بر نتایج بررسی‌ها تأثیرگذار باشد. تمرکز بخش سوم بر شاخص مشارکت‌دادن خانواده بزه‌دیده و وکلای مدافع آن‌ها در فرایند انجام تحقیقات جنایی ناظر بر پرونده‌های مرگ در زندان است و اینکه چالش‌های موجود چگونه امکان دسترسی خانواده‌های بزه‌دیدگان به عدالت را محدود می‌کند. در بخش انتهایی و چهارم، موضوع مشخص نمودن علت مرگ و مسئولیت افراد در وقوع حادثه به‌عنوان یکی از شاخص‌های تحقیقات جنایی اثربخش مدنظر قرار گرفته و از این حیث، محتوای گزارش‌ها و احکام کیفری صادره مورد ارزیابی قرار گرفته است.

جدول ذیل به تفکیک بیانگر اطلاعاتی از محل بازداشت، سال مرگ و ادعای اولیه مقامات قضایی در مورد علت مرگ ۱۱ تن از بزه‌دیدگان است:

• جدول مشخصات پرونده‌های مورد مطالعه

شماره نمونه	بزه دیده	محل بازداشت	سال مرگ	ادعای اولیه در مورد مرگ
۱	زهرا کاظمی	زندان اوین	۱۳۸۲	سکته مغزی
۲	محمد رجیبی ثانی	زندان قزلحصار	۱۳۸۳	عفونت پیشرفته داخلی و عوارض ناشی از آن
۳	اکبر محمدی	زندان اوین	۱۳۸۵	نامعلوم
۴	زهرا بنی‌یعقوب	بازداشتگاه پایگاه امر به معروف و نهی از منکر همدان	۱۳۸۶	خودکشی
۵	محسن روح‌الامینی، محمد کامرانی، امیر جواد فری، رامین قهرمانی	بازداشتگاه کهریزک	۱۳۸۸	بیماری مننژیت
۶	ستار بهشتی	تحت نظرگاه پلیس فتا	۱۳۹۱	قتل غیرعمد
۷	ابوالفضل رجیبی	کلانتری شهرستان میانه	۱۳۹۲	خودکشی
۸	احسان‌الله احسانی	کلانتری یزد	۱۳۹۴	گرم‌زدگی

علاوه بر روش تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک با استفاده از روش مصاحبه عمیق با ۱۰ نفر از افراد مطلع و صاحب‌نظر در این زمینه (شامل: ۶ نفر از وکلای مدافع پرونده‌های مرگ در زندان، ۲ نفر از مقام‌های قضایی و ۲ نفر از افرادی که در تهیه گزارش‌های مستقل در دو مورد از این پرونده‌ها نقش داشته‌اند)، وضعیت تحقیقات جنایی در ایران از منظر شاخص‌های استخراج‌شده به بحث و بررسی گذاشته شد.

۴. یافته‌های تحقیق

در این قسمت، یافته‌های حاصل از نمونه‌پژوهی هشت پرونده مرگ در زندان‌های ایران در پرتو اصول و موازین پیش‌گفته مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

۴-۱. تأخیر در انجام تحقیقات با هدف دست‌کاری در ادله

جلوه‌هایی از تأکید بر انجام فوری تحقیقات در پرونده‌های مرگ در زندان را می‌توان در تحلیل محتوای اظهارنظرهای برخی از مسئولان قضایی و اجرایی مشاهده کرد. برای نمونه، دادستان کل کشور در پاسخ به پرسشی در مورد چگونگی برخورد نظام در مقابل برخی خطاهای ارتکاب‌یافته در پرونده مرگ‌های بازداشتگاه کهریزک، بر کوتاهی نهادهای قضایی، انتظامی و اطلاعاتی در

پیگیری پرونده و به سرانجام رسانیدن آن اذعان می‌نماید^۱ (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، ۱۳۸۹: ۲۶ تیر). نمونه دیگر از مواردی را که دلالت بر تأکید مقامات رسمی بر فوریت تحقیقات این پرونده‌ها دارد، می‌توان در نامه وزیر اطلاعات وقت به رئیس‌جمهوری در مورد پرونده مرگ «زهرا کاظمی» پی گرفت. در بخشی از این نامه که در گزارش کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی در مورد این پرونده مورد استناد قرار گرفته است، بر اهمیت سرعت در رسیدگی از سوی رهبری تأکید شده است (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۲: ۶ آبان). تأکید بر ضرورت اتخاذ تدابیر قضایی به‌ویژه در پرونده‌هایی که وقوع تخلفات و جرائمی از سوی برخی عوامل نهادهای رسمی مورد پذیرش مقامات عدالت کیفری قرار گرفته است، دست‌کم در سطح گفتمان رسمی و مکاتبه‌های انجام‌شده قابل مشاهده است؛ هرچند این رویکرد در پرونده‌های مرگ در زندان که به‌دلایلی از سوی دستگاه قضایی به رسمیت شناخته نشده است و احتمال وقوع تخلف و سوءاستفاده از موقعیت شغلی در حاله‌ای از ابهام قرار دارد، در عمل دیده نمی‌شود. برای نمونه، در پرونده مرگ «زهرا بنی‌یعقوب»، هنگامی که خانواده بزه‌دیده در رد ادعای گزارش پزشکی قانونی در ارتباط با ساعت وقوع مرگ، پرینت مکالمات تلفنی بین بزه‌دیده و برادرش را برای اثبات زنده‌بودنش در آن ساعت درخواست می‌کنند، این سند (پرینت مکالمات تلفنی) با تأخیری غیرموجه و پس از گذشت چهار ماه در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد. در نامه‌ای که از سوی خانواده این بزه‌دیده در اختیار کانون زنان ایرانی قرار گرفته است، می‌خوانیم: «آن‌ها از ما پرسیدند که چه مدرکی برای اثبات این ادعای خود دارید؟ ما در پاسخ گفته‌ایم: ... می‌توانید پرینت مکالمه‌های تلفن همراه برادرش را بگیرید تا معلوم شود کی و از کجا با او تماس گرفته شده است. اما چهار ماه طول کشید تا این پرینت را در اختیار ما بگذارند. چرا چهار ماه؟ کسی به این سؤال ما نیز جواب نداده است» (خبرگزاری عصر ایران، ۱۳۸۷: ۶ آبان). اثر این تعلل غیرقابل‌توجیه، دست‌کاری ترتیب مکالمات و از بین بردن تماسی بود که خانواده بزه‌دیده به آن استناد می‌کرد؛ «در این پرینت نه تنها خبری از مکالمه ساعت هشت و نیم شب زهرا با برادرش نیست، بلکه ساعت تماس‌ها هم به هم ریخته و نامرتب است. برای مثال، تماس ساعت ۵ بعدازظهر پس از تماس ساعت ۶ ثبت شده است. از نظر ما این دست‌کاری در اسنادی است که می‌توانست به حقیقت ماجرا کمک کند» (همان). نمونه دیگر از نقض اصل سرعت در تحقیقات مقدماتی در همین پرونده مربوط به تقاضای نبش قبر از سوی خانواده بزه‌دیده و موافقت دیرهنگام با آن است. خانواده بزه‌دیده که پس از

۱. مشروح پاسخ دادستان کل به این صورت است که «... باید بگویم که ما در پی‌گیری آن کوتاهی کردیم؛ یعنی ما دستگاه‌های قضایی، انتظامی و اطلاعاتی باید با آن حساسیتی که آقا داشتند، سریع‌تر کار می‌کردیم... در هر صورت، به‌خاطر آن تأکیدی که آقا داشتند، ما باید خیلی زودتر از این رسیدگی به پرونده‌ها را انجام می‌دادیم و به سرانجام می‌رساندیم.»

مشاهده جسد فرزندشان و مشورت با چند پزشک به وقوع ضربه مغزی مشکوک می‌شوند، تقاضای نبش قبر و بررسی‌های پزشکی می‌کنند، اما «جواب نامه پنج ماه بعد آمد. البته ما با توجه به وضعیت روحی و جسمی مادر زهرا از این کار منصرف شدیم، به‌ویژه که پزشکان متخصص گفته بودند پس از پنج ماه آثار جرم تا حد زیادی از میان می‌رود و شناسایی را مشکل می‌کند» (همان). چنان‌که از این سند برمی‌آید، تعلل‌های غیرقابل‌توجیه موجب ازبین‌رفتن شواهد و مدارکی شده است که می‌توانست به کشف حقیقت بینجامد. حال آنکه برای مثال پذیرش فوری درخواست پرینت مکالمات می‌توانست امکان دست‌کاری‌های احتمالی در آن را به حداقل برساند. در مصاحبه‌های انجام‌شده با برخی از وکلای مدافع خانواده‌های بزه‌دیدگان مرگ در زندان، برخی از آن‌ها از روند کند رسیدگی به این پرونده‌ها ابراز نارضایتی نموده‌اند. برای نمونه، وکیل مدافع خانواده ستار بهشتی نیز در مورد نقض اصل فوریت در رسیدگی به این پرونده اظهار می‌دارد: «حدود سه ماه از مطرح‌شدن این پرونده می‌گذرد و پرونده همچنان در دادسرا است؛ در حالی که پرونده افرادی که آن‌ها را اراذل و اوپاش می‌نامند، ظرف یک ماه منجر به صدور حکم شد» (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۱: ۳۰ دی).

به نظر می‌رسد طولانی‌شدن فرایند تحقیقات تا آنجا که برای کشف همه واقعات‌های پیرامون مرگ باشد، مورد پذیرش شکات خواهد بود. در عین حال، نباید به بهانه ناتمام‌بودن تحقیقات و با تأخیرهای ناموجه، بستر دست‌کاری در ادله یا ازبین‌بردن آثار و شواهد جرم، موجب تحریف واقعیت را فراهم آورد.

۴-۲. عدم استقلال مراجع انجام تحقیق

در نظام حقوقی ایران تلاش‌هایی برای ایجاد کمیته‌ها و کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در برخی از پرونده‌های مرگ در زندان انجام شده است. در این ساختارهای تحقیقاتی معمولاً نمایندگان سازمان‌ها و نهادهای مختلف در قوه مجریه و قوه مقننه حضور دارند. تعدد و تنوع نمایندگان موجود در این کمیسیون‌ها و کمیته‌ها احتمال تبانی و توافقات پشت پرده را به شدت کاهش می‌دهد و بسترهای مناسبی را برای انجام تحقیقات مستقل فراهم می‌سازد.

جدول زیر به‌طور مقایسه‌ای نشان می‌دهد که شکل‌گیری کمیته‌ها و کمیسیون‌های مستقل برای انجام تحقیقات در پرونده‌های مرگ در زندان، چگونه ممکن است بر نوع و ماهیت تحقیقات قضایی و اتخاذ تصمیمات قضایی تأثیرگذار باشد.

جدول مقایسه تأثیر مرجع تحقیق بر نتایج آن

شماره نمونه	بزه دیده	محل بازداشت	سال مرگ	ادعای اولیه	مرجع تحقیقات	نتیجه و آثار تحقیق
۱	زهرآ کاظمی	زندان اوین	۱۳۸۲	سکته مغزی	کمیته ویژه ریاست جمهوری و کمیسیون اصل نود مجلس	شکستگی جمجمه، حاصل از برخورد جسم سخت به سر در دو مرحله/ پراثت منہم
۲	محمد رجیبی ثانی	زندان قزلحصار	۱۳۸۳	غفونت پیشرفته داخلی و عوارض ناشی از آن	نظام قضایی	احراز تخلفات و مسامحه بازپرس، دادیار و چهار تن از پرسنل زندان قزلحصار و همچنین پزشک معاینه‌کننده
۳	اکبر محمدی	زندان اوین	۱۳۸۵	نامعلوم	نظام قضایی	قرار منع تعقیب تمام متشاکیان
۴	زهرآ بنی‌یعقوب	بازداشتگاه ستاد امر به معروف و نهی از منکر همدان	۱۳۸۶	خودکشی	نظام قضایی	قرار منع تعقیب همه متهمان
۵	محسن روح‌الامینی، محمد کامرانی و امیر جوادی‌فر	بازداشتگاه کهریزک	۱۳۸۸	منزیت	کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی و سازمان قضایی نیروهای مسلح	قتل عمدی/ صدور احکام قصاص، حبس و جزای نقدی و ممنوعیت از تصدی شغل قضاوت
۶	ستار بهشتی	تحت نظرگاه پلیس فتا	۱۳۹۱	قتل غیر عمد	کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی	فشار روحی، ضربات نوعاً غیرکشنده/ سه سال حبس، دو سال اقامت اجباری و ۷۴ ضربه شلاق، برکناری رئیس پلیس فتا و تصویب آیین‌نامه نظارت بر بازداشتگاه‌های انتظامی
۷	ابوالفضل رجیبی	کلانتری شهرستان میانه	۱۳۹۲	خودکشی	نظام قضایی	خودکشی
۸	احسان‌الله احسانی	کلانتری یزد	۱۳۹۴	گرم‌زدگی	نظام قضایی	قتل شبه‌عمد (رای دادگاه بدوی)

تحلیل محتوای اطلاعات مندرج در جدول بالا نشان می‌دهد که در موارد تشکیل کمیته‌هایی ویژه در سطح ملی و مشارکت کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی یا قوه مجریه (نمونه‌های شماره ۱، ۵ و ۶)، ادعای مطرح‌شده پیرامون طبیعی بودن مرگ زندانیان مردود اعلام شده و دلایل

جمع‌آوری شده توسط این کمیته‌ها مورد توجه دستگاه قضایی قرار گرفته است. در مورد نمونه شماره ۱ (زهرا کاظمی)، ادعای اولیه مقامات قضایی مبنی بر سکتۀ مغزی او، پس از تحقیقات مستقل کمیته ویژه رئیس جمهوری و نیز کمیسیون اصل نود مجلس رد شد و علت مرگ شکستگی جمجمه در بازۀ زمانی خاصی اعلام می‌شود. در نمونه شماره ۵ (کهریزک) نیز گزارش کمیسیون امنیت ملی و نیز اطلاعیه سازمان قضایی نیروهای مسلح، ادعای اولیه دادستان وقت تهران مبنی بر ابتلای سه تن از بازداشت‌شدگان به بیماری منتزیت را صراحتاً رد می‌کند و علت مرگ را مجموع ضربات وارده و از نوع قتل عمد تشخیص می‌دهد. بر همین اساس، آثار گزارش کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در مورد نمونه شماره ۶ (ستار بهشتی) هم قابل توجه است. این گزارش اگرچه به تعیین علت دقیق مرگ بزه‌دیده نمی‌پردازد، اما به صراحت شرایط بازداشت و نحوه رفتار با او را خارج از ضوابط قانون اساسی می‌داند. متعاقب همین گزارش‌های مستقل است که آیین‌نامه نظارت بر بازداشتگاه‌های انتظامی به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد و رئیس وقت پلیس فتا پس از قصور در نظارت بر عملکرد پرسنل تحت نظر خود از سمتش عزل می‌شود.

در عین حال، می‌توان در پرونده‌هایی که تنها تحقیقات انجام شده در آن‌ها از سوی مراجع قضایی صورت گرفته است، به مقایسه ادعای اولیه پیرامون مرگ با نتایج تحقیقات پرداخت. چنان‌که برای مثال، در متن رأی نمونه شماره ۴ (زهرا بنی‌یعقوب) آمده، «با توجه به اینکه اصلاً جرمی واقع نشده و وقوع قتل عمد منتفی است، برای همه متهمان پرونده قرار منع تعقیب صادر می‌شود... نظر به اینکه حسب تحقیقات به عمل آمده و گزارش مرجع انتظامی و گزارش معاینه پزشک توسط پزشکی قانونی و انکار شدید متهمان و عدم ارائه دلیل از سوی شاکی‌های پرونده و سایر قرائن موجود در پرونده، از جمله گزارش بازپرس کشیک در روز ۸۶/۷/۲۱ (روز مرگ زهرا) و اظهارات مطلع به نام... فوت آن مرحوم به خاطر فشار بر عناصر حیاتی گردن توسط جسم رشته‌مانند قابل انعطاف و عوارض ناشی از آن، ناشی از حلق‌آویز شدن توسط خود آن مرحوم بوده است و خودکشی اعلام می‌شود» (روزنامه سرمایه، ۱۳۸۷: ۲۰ تیر؛ خبرگزاری تابناک، ۱۳۸۷: ۲۰ تیر)، ادعای اولیه پیرامون علت مرگ هیچ تفاوتی با علت مرگ پس از انجام تحقیقات ندارد.

از سوی دیگر، تحلیل محتوای اظهارنظرهای برخی از مقام‌های قضایی پیرامون این تلاش‌ها، نشان از به رسمیت نشناختن تحقیقات مستقل در این پرونده‌ها دارد: «سعید مرتضوی^۱ راجع به زمان ارسال پاسخ به گزارش کمیسیون اصل ۹۰ درباره مرگ زهرا کاظمی، گفت: این پاسخ آماده شده و روز شنبه به دفتر رئیس مجلس ارسال خواهد شد. مرتضوی درباره اینکه چرا این پاسخ به کمیسیون اصل ۹۰ ارسال نمی‌شود، تأکید کرد کمیسیون اصل ۹۰ را صالح نمی‌دانم؛ چراکه مطابق

۱. دادستان وقت تهران

مقررات قانون اساسی، کمیسیون اصل ۹۰ در پرونده‌های قضایی خصوصاً مواردی که در جریان رسیدگی است، حق مداخله ندارد. به همین دلیل، پاسخمان را مستقیماً به دفتر حجت‌الاسلام کروی ارسال خواهیم کرد» (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۲: ۷ آبان). بررسی رویه عملی قوه قضاییه نیز در مورد مستقل بودن مقام تحقیق در این پرونده‌ها به‌طور کلی با آنچه از مفهوم استقلال مقام تحقیق گفته شد، تفاوت دارد. برای نمونه، در مورد پرونده زهرا کاظمی، به دستور رئیس قوه قضاییه، دادستان تهران مأمور به رسیدگی به پرونده شده بود: «به‌دنبال ارسال گزارش کمیته ویژه از سوی رئیس‌جمهوری برای رئیس قوه قضائیه، آیت‌الله شاهرودی، در جلسه مسئولان عالی قضایی ضمن تشکر از دستور سریع رئیس‌جمهوری برای رسیدگی به پرونده مرگ زهرا کاظمی، خبرنگار ایرانی مقیم کانادا، از دادستانی استان تهران خواست طبق قانون در اسرع وقت به این پرونده رسیدگی کند» (روزنامه همشهری، ۱۳۸۲: ۳۱ تیر). دادستان تهران از سوی رئیس قوه قضاییه در حالی مأمور رسیدگی به این پرونده شده بود که در همان گزارش هیئت ویژه رئیس‌جمهوری که ظاهراً مورد تقدیر رئیس قوه قضاییه هم قرار گرفت،^۱ در رابطه با سیر وقایع دوران بازداشت در مرحله اول که متوفی به مدت ۲۱ ساعت در اختیار دادرسی و زندان بوده است، آمده است که در بخشی از بازجویی، دادستان تهران نیز حضور داشته است. دخالت دادرسی به همین مرحله ختم نمی‌شود، بلکه در مرحله سوم از دوره بازداشت نیز زندانی متوفی به مدت چهار ساعت در اختیار این نهاد بوده است. نکته مهمی که باید در مورد این قسمت از گزارش مورد توجه قرار گیرد این است که تهیه‌کنندگان گزارش، توضیحات مربوط به این قسمت را به‌طور مبهم باقی می‌گذارند. توضیح اینکه گزارش، برخلاف مراحل اول، دوم و چهارم که تقریباً به تفصیل و با ذکر دقیق ساعت و دقیقه به شرح احوال زندانی می‌پردازد، بدون هیچ‌گونه توضیحی برای مرحله سوم (که بزه‌دیده در اختیار دادرسی بوده است) به ذکر این جمله بسنده می‌کند که «برای اطلاع از این مدت زمان باید گزارش واقعه مورد بررسی قرار گیرد». اینکه چرا تا زمان انتشار گزارش، از این مدت اطلاعات لازم به دست نیامده یکی از نکات مبهم آن است. مشاور رئیس‌جمهور وقت^۲ در پاسخ این ابهام به نویسندگان بیان داشت: «این موضوع علناً می‌گوید که دولت توانسته برای آن مراحل دیگر گزارش

۱. در ادامه همان خبر می‌خوانیم: «گزارش روابط عمومی قوه قضاییه از این جلسه حاکی است، آیت‌الله شاهرودی، رئیس قوه قضاییه گفت که رئیس‌جمهوری به‌موقع در این پرونده وارد عمل شد و وزرای معرفی‌شده جهت رسیدگی به آن، گزارش کاملی تهیه کردند و این گزارش از طریق رئیس‌جمهوری برای اینجانب ارسال شد. وی همچنین از تلاش وزیران معرفی‌شده جهت رسیدگی به این پرونده تشکر و اضافه کرد گزارش تهیه‌شده و ارسالی به قوه قضاییه که جهت رسیدگی دقیق و سریع به دادگستری استان تهران معرفی شده است، به امضای وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز رسیده و این مسئله کار دستگاه قضایی را آسان‌تر کرده است. آیت‌الله شاهرودی بر برخورد قاطع قانون با مقصران احتمالی این پرونده تأکید کرد.»

۲. محمدعلی ابطی

تهیه کند، اما اینجا (مرحله سوم) با دولت همکاری نکردند؛ چون نهادهایی مثل ناجا و وزارت اطلاعات با دولت ارتباط دارند، اما قوه قضاییه مستقل است و دولت اهرم فشاری بر آن‌ها ندارد.»

در یکی دیگر از پرونده‌های مرگ در زندان در سال‌های اخیر نیز می‌توان نوعی عدم هماهنگی را بین کنشگران رسمی عدالت کیفری در راستای انجام تحقیقات مستقل مشاهده نمود. برای نمونه، در ارتباط با مرگ یکی از افراد بازداشت‌شده به نام «محمد رجبی ثانی»، معاون رئیس‌جمهور وقت بیان داشت که «کمیته‌ای را مسئول پیگیری پرونده جان‌باز شهید محمد رجبی ثانی کرده و همچنین، در ملاقات با خانواده آن شهید گفت شخصاً این موضوع را تا حصول نتیجه قطعی و واقعی پیگیری می‌کنم» (روزنامه جام‌جم، ۱۳۸۳: ۷ آذر). هرچند تحلیل اسناد و گزارش‌های بعدی پیرامون این موضوع نشان از عدم تشکیل کمیته مستقل و جدی‌نبودن این پیشنهاد در عمل دارد؛ چراکه پس از گذشت ده روز از دستور معاون رئیس‌جمهور مبنی بر تشکیل کمیته‌ای برای پیگیری پرونده جان‌باز شهید محمد رجبی ثانی، سخنگوی قوه قضاییه در نشست خبری خود در پاسخ به پرسش درباره مذاکرات انجام‌شده میان کمیته تشکیل‌شده از سوی معاون رئیس‌جمهور و قوه قضاییه درباره رسیدگی به پرونده جان‌باز شهید محمد رجبی ثانی گفت اطلاعی از تشکیل این کمیته ندارم» (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۳: ۱۷ آذر). از تحلیل محتوای مصاحبه وکیل یک پرونده دیگر نیز می‌توان دریافت که قوه قضاییه در عمل تمایلی به پذیرش سازوکارهای تحقیقی خارج از رسیدگی‌های قضایی ندارد؛ بدون اینکه خود سازوکارهای رسیدگی مستقل به این پرونده‌ها را تضمین کند. وکیل پرونده اکبر محمدی در مصاحبه‌ای در مورد درخواست انجام تحقیقات پزشکی مستقل بیان می‌دارد: «پیش از این، تشکیل کمیسیون پزشکی متشکل از پزشکان آزاد برای پیگیری این پرونده را درخواست کرده بودم که مورد موافقت بازپرس قرار گرفت، اما اجرایی نشد و کمیسیون پزشکی به آن ترتیب اثر نداد» (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۶: ۲۱ فروردین).

به نظر می‌رسد به‌رغم تشکیل ساختارهای تحقیقاتی چندنهادی و مستقل در خارج از دستگاه قضایی در برخی از پرونده‌های مرگ در زندان، استقلال تحقیق به معنایی که در موازین بین‌المللی مورد نظر قرار گرفته، در این نظام مورد پذیرش قرار نگرفته است. در همین موارد محدود از تحقیقات و گزارش‌هایی رسمی نیز عملاً نمی‌توان محتوا و یافته‌های آن‌ها را بر تصمیم مقامات قضایی چندان اثربخش دانست. در نمونه شماره ۱ (زهر کازمی) نتایج و یافته‌های کمیته ویژه رئیس‌جمهوری و کمیسیون اصل نود مجلس مورد استناد دادگاه قرار نمی‌گیرد و در نهایت، باعث صدور رأی برائت برای تنها متهمی می‌گردد که اساساً طرف شکایت خانواده بزه‌دیده قرار ندارد. مشروح مذاکرات جلسه علنی دادگاه این پرونده نشان می‌دهد هنگامی که یکی از وکلای بزه‌دیده در جلسه دادگاه به موضوعی از گزارش مجلس در مورد یکی از تخلفات دادستان وقت تهران

استناد می‌کند، قاضی دادگاه پاسخ می‌دهد: «این دادگاه جلسه رسیدگی به موضوع آقای مرتضوی نیست. مطرح کردن این موارد در سطح جامعه که اثبات هم نشده، از موارد افترا است و می‌توان طبق مقررات با آن برخورد کرد» (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۳: ۲۷ تیر).

در مجموع به نظر می‌رسد استفاده از الگوی کمیته‌های مستقل و ویژه برای تحقیقات جامع از این پرونده‌ها، آثار و نتایج مثبت‌تری در مقایسه با مواردی دارد که نظام قضایی، یگانه مرجع انجام تحقیقات در آن‌ها است. در واقع، اگرچه نتایج و یافته‌های این تحقیقات مستقل برای مراجع قضایی الزام‌آور نیستند، اما آثار و نتایجی که پیرو این تحقیقات حاصل می‌شود را باید به معنای به رسمیت شناخته شدن وقوع مرگی مجرمانه در زندان‌های ایران از سوی نظام عدالت کیفری و لزوم پاسخ‌گویی مناسب به آن دانست. صرف‌نظر از درستی یا نادرستی نوع و میزان این محکومیت‌ها، اتخاذ تدابیر و اقدام‌هایی مانند برکناری رئیس پلیس فتا در پرونده «ستار بهشتی»، تصویب آیین‌نامه نظارت بر بازداشتگاه‌های انتظامی و نیز محاکمه دادستان تهران و برخی دیگر از مقام‌های قضایی وقت و محکومیت آن‌ها در پرونده کهریزک نمونه‌هایی از آثار و نتایجی است که پیرو تحقیقاتی از سوی کمیته‌هایی خارج از نظام قضایی، مورد پذیرش نظام عدالت کیفری قرار گرفته است.

۳-۴. ایجاد مانع در فرایند مشارکت خانواده‌ها در تحقیقات جنایی

بررسی اسناد و مدارک و تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده با خانواده‌های بزه‌دیدگان پرونده‌های مرگ در زندان در ایران دلالت بر این موضوع دارند که در عمل نقش فعالی در طول فرایند تحقیقات جنایی برای خانواده‌ها و بستگان متوفی پیش‌بینی نشده است. گاه حتی برخی از اسناد بر محدودیت‌ها و به‌حاشیه‌رانده شدن آن‌ها در مسیر شکایت کیفری دلالت دارند؛ برای نمونه، یکی از بزه‌دیدگان (مادر ستار بهشتی) مدعی شد که «رضایتش از سر ترس بوده و قلباً راضی به این اعلام رضایت نبوده» (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۲: ۶ دی). در پی این اظهارنظر، یکی از نمایندگان مجلس^۱ در مصاحبه‌ای در مورد شرایط قانع شدن از سؤال از وزیر کشور در مورد این پرونده بیان داشت: «جلب رضایت خانواده ستار بهشتی یکی دیگر از شروط من بود که این شرط هم تحقق پیدا نکرد، بلکه در مراسم چهلم ستار بهشتی خانواده وی تحت فشار بودند. همچنین، مدتی است که کیفرخواست متهم اصلی صادر شده است، اما پرونده هنوز به دادگاه ارجاع نشده است. عضو کمیسیون فرهنگی گفت ممکن است بگویند مادر ستار بهشتی رضایت داده است، اما او گفته است حکم بازداشت دختر مرا به من نشان دادند تا از من رضایت بگیرند. نمی‌خواستم داغ دیگری روی سینه‌ام بماند و مجبور شدم و امضا کردم» (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۲: ۲۰ فروردین). تحلیل محتوای این

اسناد و گزارش‌ها نشان می‌دهند که نه تنها این بزه‌دیدگان در فرایند تحقیقات جنایی سهیم نمی‌شوند، بلکه گاهی به شکل‌های گوناگون برای عدم طرح شکایت یا دادن رضایت تحت فشار قرار می‌گیرند.

دراختیار گذاشتن تمام اطلاعات مربوط به پرونده و فراهم آوردن زمان کافی برای مطالعه آن‌ها از سوی وکیل، یکی از مصادیق مشارکت‌دادن او در این تحقیقات جنایی این پرونده‌ها است. وکیل مدافع بزه‌دیده شماره ۸ (پرونده احسان‌الله احسانی) در پاسخ به این پرسش که مقام‌های دادسرا چه محدودیتی برای شما در ارائه اطلاعات پرونده ایجاد کردند، پاسخ داد: «بازپرس، پرونده ۵۰۰ صفحه‌ای را بهم داد و گفت ۲۰ دقیقه وقت داری پرونده را بخونی.» ایجاد این محدودیت زمانی از سوی مقام قضایی، عملاً به معنای دراختیار نگذاشتن اطلاعات پرونده و به‌حاشیه‌راندن نماینده خانواده بزه‌دیده است. وکیل نمونه شماره ۷ (پرونده ابوالفضل رجبی) در پاسخ به همین پرسش پاسخ داد که «وقتی برای نوشتن از شون درخواست یک میز ساده کردم، گفتند نداریم. مدارک رو به من نمی‌دادند. وقتی درخواست می‌کردیم، می‌گفتند محرمانه است. می‌گفتیم پس چطور به رئیس دادگستری استان دادید؟ وزارت اطلاعات خواست، مگه باید بهش بدید پرونده را؟ نه. ضابط که نیست اینجا. مدارک را به همه می‌دادند؛ الا شاکی.» گاه حتی فراتر از دراختیار نگذاشتن پرونده یا ساده‌ترین امکان برای انجام تعهدات وکیل، وکلای این پرونده‌ها با اتهامات کیفری روبه‌رو می‌شوند. برای مثال، وکیل نمونه شماره ۳ (پرونده اکبر محمدی) از احضارش به شعبه دوم بازپرسی دادسرای کارکنان دولت برای رسیدگی به اتهامش بر مبنای توهین و افترا به مأموران زندان اوین در رابطه با پرونده مرگ اکبر محمدی و اقدام علیه امنیت کشور عنوان کرد (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۵: ۷ بهمن).

اتخاذ چنین تصمیماتی نسبت به وکلای این پرونده‌ها و اعمال انواع محدودیت‌ها و شبهه‌افکنی‌ها و پرونده‌سازی‌ها، در عمل امکان پذیرش وکالت این پرونده‌ها کاهش می‌دهد و در نتیجه ممکن است برخی از بزه‌دیدگان نتوانند در فرایند شکایت کیفری به عدالت دسترسی داشته باشند. به‌عنوان مثال، یکی از وکلای نمونه شماره ۱ (پرونده زهرا کاظمی) در مصاحبه بیان داشت: «قاضی و نماینده دادستان به‌خاطر پذیرش داوطلبانه این پرونده، ما را متهم به دریافت پول از بیگانگان می‌کردند و با این توجیه، نهادهای امنیتی، اطلاعات حساب بانکی ما را در اختیار آن‌ها قرار می‌دادند.»

به نظر می‌رسد حمایت از حقوق خانواده‌های بزه‌دیده مرگ در زندان و تضمین دسترسی آنان به عدالت مستلزم ایجاد بستری امن برای مشارکت وکلای و نمایندگان آن‌ها و به‌رسمیت شناختن حقوق آن‌ها در قوانین و اجرای آن‌ها در عمل است.

۴-۴. ابهام در تعیین علت مرگ و افراد مسئول

در نظام عدالت کیفری ایران، مواردی از تحقیقات مقدماتی صورت گرفته در مورد پرونده‌های مرگ در زندان به ارائه گزارش‌هایی شفاف از تعیین علت مرگ، شرایط پیرامون آن و تعیین مجازات برای عوامل آن انجامیده است. گزارش سازمان قضایی نیروهای مسلح درباره پرونده کهریزک یکی از این موارد است.^۱ بند ۳ این گزارش در مقام تعیین علت مرگ سه نفر از افراد بازداشت‌شده در آن بازداشتگاه بیان می‌دارد که «به دلیل جان‌باختن سه نفر از بازداشت‌شدگان به نام‌های مرحوم محسن روح‌الامینی، مرحوم امیرجواد فر و مرحوم محمد کامرانی و شکایت اولیای دم، تحقیقات جامعی در این خصوص از متهمان، شهود و مطلعان صورت گرفت و از پزشکی قانونی خواسته شد که با توجه به معاینه اجساد، ضمن اخذ نظر هیئت تخصصی پزشکی قانونی، نظر خود را درباره علت تامه فوت آنان اعلام کند. پزشکی قانونی در نظریه خود با رد فوت نام‌بردگان به لحاظ ابتلا به بیماری مننژیت، با تأیید وجود آثار متعدد ضرب و جرح روی اجساد، علت درگذشت متوفیان را مجموع صدمات وارده اعلام می‌کند.» همچنین، در مقام بیان انجام تحقیقات جامع و تصمیم‌گیری در مورد متهمین پرونده، بند ۶ این گزارش اعلام می‌دارد که «دادرسی نظامی تهران سرانجام پس از تحقیقات جامع، با توجه به اقرار و اظهارات متهمان، گواهی شهود، مدارک و اسناد موجود، اظهارات شکات و مطلعان، معاینه محل وقوع جرم، استعلامات متعدد از مراجع ذی‌ربط، نظریات پزشکی قانونی درباره چگونگی و میزان جراحات و صدمات وارده به شاکیان و علل فوت متوفیان، مواجهه حضوری و سایر قراین موجود، در مجموع ۱۲ نفر از متهمان را مجرم شناخته و درباره آنان کیفرخواست صادر و نسبت به سایر متهمان حسب مورد، قرار منع پیگرد و موقوفی تعقیب صادر کرده است.»

در طرف دیگر، به‌رغم تأکید برخی از مقام‌های عدالت کیفری بر کشف حقیقت در این پرونده‌ها، در عمل بسیاری از آن‌ها فاقد اثربخشی لازم هستند؛ به این معنا که از تعیین علت روشن مرگ زندانی و مقصر آن عاجز هستند یا آن را مبهم باقی می‌گذارند. برای نمونه، دادستان کل کشور درباره علت فوت ستار بهشتی این‌گونه پاسخ داد که «در آخرین جلسه‌ای که در تاریخ ۹۲/۲/۲۱ برگزار شد، ۹ پزشک نظریات خود را ارائه کردند که در خاتمه مشخص شد، علت مرگ می‌تواند فشار روحی و ضربات نوعاً غیرکشنده باشد» (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۲: ۱۰ تیر). نظریه کمیسیون پزشکی در مورد همین پرونده که مورد استناد گزارش کمیسیون امنیت ملی و سیاست

۱. برای مشاهده متن کامل این گزارش رک: خبرگزاری تابناک (۱۳۸۸/۹/۲۸)، «اطلاعیه مهم سازمان قضایی نیروهای مسلح در مورد پرونده کهریزک»، کد خبر ۷۷۹۰۵، دسترسی در: www.tabnak.ir، آخرین بازدید ۱۳۹۷/۴/۱۶ یا پایگاه خبری روابط عمومی سازمان قضایی نیروهای مسلح در همان تاریخ.

خارجی مجلس شورای اسلامی قرار گرفته (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱: ۱۷ دی)، بیان می‌دارد: «در آخرین نظریه کمیسیون پزشکی قانونی هفت نفره متشکل از پزشکان متخصص پزشکی قانونی که به تاریخ ۱۳۹۱/۸/۳۰ صادر گردیده، آمده است در حال حاضر با توجه به بررسی‌های انجام شده و با اطلاعات موجود، تعیین علت قطعی فوت از لحاظ پزشکی مقدور نبوده، اما نظر به اینکه در معاینه جسد و بررسی‌های تکمیلی هیچ‌گونه دلایل و شواهدی از بیماری منجر به فوت احراز نگردیده است، محتمل‌ترین علت منجر به فوت می‌تواند پدیده شوک باشد که در صورت احراز ایراد ضرب یا ضربات به نقاط حساس بدن یا فشارهای شدید روانی، این عوامل می‌تواند عامل شوک مذکور باشد.» عدم تعیین دقیق علت فوت و اعلام ناتوانی از احراز آن پس از تحقیقاتی مستقل و بررسی‌های پزشکی، در نهایت علاوه بر اینکه شاکیان این پرونده‌ها را از رسیدن به نتیجه مطلوبی که از این بررسی‌ها انتظار می‌رود، مأیوس می‌سازد، اصول شفافیت و پاسخ‌گویی نظام کیفری را در این پرونده‌ها مخدوش می‌کند. ایجاد زمینه‌های افزایش اعتماد عمومی به نهادهای عدالت کیفری و پدیدآمدن این احساس در بزه‌دیدگان که نظام عدالت کیفری اراده جدی در کشف حقیقت و برخورد با خاطیان این پرونده‌ها را دارا است، مستلزم آن است که تحقیقات جنایی در نهایت به‌صراحت علت مرگ، اعم از مجرمانه یا غیرمجرمانه بودن آن را مشخص کنند. مصلحت‌سنجی‌ها و رعایت پاره‌ای احتیاطات در بیان صریح علت مرگ زندانیان، خود نوعی بزه‌دیدگی ثانوی را برای شاکیان به دنبال دارد.

نتیجه‌گیری

ممنوعیت سلب خودسرانه حیات افراد که در بسیاری از اسناد حقوق بشری مورد تأکید قرار گرفته، به‌ویژه در ارتباط با آن‌ها که آزادی خود را در نتیجه تصمیمات مقامات عدالت کیفری از دست داده‌اند، مستلزم انجام تحقیقی فوری، مستقل، جامع و با مشارکت خانواده یا بستگان زندانی متوفی در مواردی است که به هر دلیلی حیات زندانی در آن محیط‌ها از او سلب شده است. عدم رعایت هریک از این اصول، نتایج تحقیقات جنایی این پرونده‌ها را با ابهام روبه‌رو می‌سازد. در برخی اسناد بین‌المللی که به‌طور ویژه در مقام تعیین چهارچوب‌هایی برای انجام یک تحقیق کارآمد از مرگ افراد در زندان و نیز پیشگیری از مرگ‌های احتمالی بعدی هستند، رهنمودهایی برای نظام‌های داخلی در نظر گرفته شده است. تحقیقات جنایی پرونده‌های مرگ در زندان در نظام عدالت کیفری ایران در مواردی از آن اصول پیروی کرده است. تحلیل گفتمان مقامات عدالت کیفری و تحلیل محتوای اسناد و گزارش‌های رسمی این پرونده‌ها نشان می‌دهد که هر بار تصمیم نظام عدالت کیفری بر انجام تحقیقاتی مستقل بوده است، تأکید بر آن اصول هم در اولویت قرار

داشته و تا حدی چالش‌های تحقیقات جنایی، دست‌کم در سطح گفتمان مقامات عدالت کیفری هموارتر شده است. با این حال، در موارد متعددی از این پرونده‌ها، دسترسی بزه‌دیدگان به عدالت با ایجاد موانعی پیچیده محدود شده است. شواهد چندی از نقض اصل فوریت تحقیق و یا استقلال آن را می‌توان در اطلاعات و گزارش‌های مربوط به این پرونده‌ها در نظام عدالت کیفری ایران مشاهده کرد. نامحرم‌ندانستن شاکیان پرونده نسبت به اطلاعات آن و مشارکت‌دادن فعال آن‌ها در فرایند تحقیقات جنایی، به رسمیت‌شناختن حق دسترسی وکیل به تمام اسناد و اطلاعات پیرامون پرونده و مهم‌تر از آن، تحقق آن در عمل و متصرف‌نکردن او به اتهاماتی چون تشویش اذهان عمومی و اشاعه اکاذیب یا توهین به مقامات عدالت کیفری، در کنار پیش‌بینی سازوکارهای تحقیقی مستقل برای این پرونده‌ها که خارج از نفوذ نهادهای عدالت کیفری، همچون پلیس، زندان، دادسرا و دادگاه باشند، تا حد زیادی تضمین‌کننده اصل شفافیت و در نتیجه، پاسخ‌گویی نظام عدالت کیفری است. از سوی دیگر، نظام‌های عدالت کیفری خود نیز با پیش‌بینی و اعمال چنین سازوکارهایی نه تنها شرایط لازم برای یک جبران خسارت مناسب از شاکیان پرونده را مهیا می‌سازند که زمینه بازگشت اعتماد عمومی به خود و برائت از اتهامات ناروایی که درگیر آن شده‌اند را نیز فراهم می‌آورند.

منابع

الف) فارسی

۱. آخوندی، محمود (۱۳۸۴)، آیین دادرسی کیفری، ج ۵، ج ۱، تهران: مجد.
۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (۱۳۸۹/۴/۲۶)، «گفت‌وگو با محسنی اژه‌ای، دادستان کل کشور درباره مسائل انتخابات ریاست جمهوری، حادثه کهریزک و عملکرد خودی‌ها در جریان اتفاقات سال ۸۸»، دسترسی در: www.farsi.khamenei.ir، آخرین بازدید ۱۳۹۷/۰۵/۰۱.
۳. خبرگزاری ایسنا (۱۳۸۵/۱۱/۷)، «بهرامیان از احضارش به دادسرای کارکنان دولت خبر داد»، کد خبر: ۸۵۱۱-۰۳۳۱۲-۰۳۳۱۲، دسترسی در: www.isna.ir، آخرین بازدید ۱۳۹۷/۰۵/۲۴.
۴. خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۱/۱۰/۳۰)، «پرونده مرگ ستار بهشتی هنوز به دادگاه ارسال نشده است»، کد خبر ۹۱۱۰۳۰۱۷۸۵۵، دسترسی در: www.isna.ir، آخرین بازدید ۱۳۹۷/۰۳/۱۵.
۵. خبرگزاری ایسنا (۱۳۸۳/۴/۲۷)، «دومین دادگاه علنی پرونده زهرا کاظمی»، کد خبر ۸۳۰۴-۱۰۷۷۷-۰۳۳۱۲، دسترسی در: www.isna.ir، آخرین بازدید ۱۳۹۷/۰۵/۰۴.
۶. خبرگزاری ایسنا (۱۳۸۲/۸/۷)، «سعید مرتضوی: کمیسیون اصل ۹۰ را صالح نمیدانم»، کد خبر ۸۲۰۸-۰۳۰۶۹-۰۳۳۱۲، دسترسی در: www.isna.ir، آخرین بازدید ۱۳۹۷/۰۳/۰۴.
۷. خبرگزاری ایسنا (۱۳۸۲/۴/۲۹)، «گزارش هیئت ویژه رئیس‌جمهوری برای رسیدگی به مسئله فوت خانم زهرا کاظمی».
۸. خبرگزاری ایسنا (۱۳۸۲/۸/۶)، «متن کامل گزارش کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی در مورد پرونده زهرا کاظمی»، کد خبر: ۸۲۰۸-۰۲۲۶۴-۰۳۳۱۲، دسترسی در: www.isna.ir، آخرین بازدید ۱۳۹۷/۰۳/۰۱.
۹. خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۲/۱۰/۶)، «ناگفته‌هایی از پرونده مرگ ستار بهشتی»، کد خبر ۹۲۱۰۰۶۰۳۲۰۴-۰۳۳۱۲، دسترسی در: www.isna.ir، آخرین بازدید ۱۳۹۷/۰۵/۰۴.

۱۰. خبرگزاری ایسنا (۱۳۸۶/۱/۲۱)، «وکیل مدافع خانواده اکبر محمدی: منتظر اعلام نظر معاون دادستان هستم»، کد خبر ۸۶۰۱-۰۶۶۵۶، دسترسی در: www.isna.ir، آخرین بازدید ۱۳۹۷/۰۳/۰۴.
۱۱. خبرگزاری تابناک (۱۳۸۸/۹/۲۸)، «اطلاعیه مهم سازمان قضایی نیروهای مسلح در مورد پرونده کهریزک»، کد خبر ۷۷۹۰۵، دسترسی در: www.tabnak.ir، آخرین بازدید ۱۳۹۷/۴/۱۶.
۱۲. خبرگزاری تابناک (۱۳۸۷/۴/۲۰)، «پرونده زهرا بنی‌یعقوب مختومه شد»، کد خبر ۱۳۶۱۱، دسترسی در: www.tabnak.ir، آخرین بازدید ۱۳۹۷/۴/۱۶.
۱۳. خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۲/۴/۱۰)، «گزارش خبرگزاری تسنیم از چهل‌وهشتمین نشست خبری سخنگوی قوه قضاییه»، دسترسی در: www.tasnimnews.com، آخرین بازدید ۱۳۹۷/۶/۱۵.
۱۴. خبرگزاری عصر ایران (۱۳۸۷/۸/۶)، «استمداد خانواده دکتر زهرا بنی‌یعقوب از مردم ایران: آیا فریادرسی در این کشور هست؟»، کد خبر ۵۵۱۹۹، دسترسی در: www.asir.com، آخرین بازدید ۱۳۹۷/۰۶/۱۰.
۱۵. خبرگزاری مهر (۱۳۸۳/۹/۱۷)، «اظهار بی‌اطلاعی سخنگوی قوه قضاییه از تشکیل کمیته ویژه رسیدگی به پرونده جانباز رجیبی ثانی»، کد خبر ۱۳۷۱۴۹، دسترسی در: www.mehrnews.ir، آخرین بازدید ۱۳۹۷/۴/۱۶.
۱۶. خبرگزاری مهر (۱۳۹۲/۱/۲۰)، «توصیه علی مطهری به پلیس فتا: مطالب ستار بهشتی چندان مهم نبود»، کد خبر ۲۰۲۹۱۰۸، دسترسی در: www.mehrnews.ir، آخرین بازدید ۱۳۹۷/۴/۱۶.
۱۷. راسخ، محمد (۱۳۹۳)، «حق یا ارزش حیات؟»، حق و مصلحت، ج ۲، ج ۳، تهران: نشر نی.
۱۸. روزنامه جام‌جم (۱۳۸۳/۹/۷)، «کمیته‌ای مسئول پیگیری پرونده جانباز رجیبی ثانی شد»، کد خبر ۵۲۹۴۱، دسترسی در: www.jamejamonline.or، آخرین بازدید ۱۳۹۷/۰۵/۱۲.
۱۹. روزنامه همشهری (۱۳۸۲/۰۴/۳۱)، «در نامه به رئیس قوه قضاییه، رئیس‌جمهور خواستار تعیین مقصر مرگ زهرا کاظمی شد»، شماره ۳۱۱۴.
۲۰. فرجیها، محمد؛ مقدسی، محمداقبر (۱۳۸۸)، «رعایت موازین قانونی در فرایند تحقیقات پلیسی؛ سازوکارهای درون سازمانی»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، ش ۱۱، تابستان.
۲۱. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۹۰)، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر اول، ج ۳، تهران: شهر دانش.
۲۲. گال، مردیت و دیگران (۱۳۸۳)، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه احمدرضا نصر و دیگران، ج ۲، ج ۱، تهران: سمت و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۳. گزارش کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی در مورد پرونده زهرا کاظمی (۱۳۸۲/۸/۲۱)، مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره ششم، جلسه ۳۶۷، روزنامه رسمی.
۲۴. گزارش کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی درباره بازداشتگاه کهریزک (۱۳۸۸/۱۰/۲۰)، مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره هشتم، جلسه ۱۶۰، روزنامه رسمی، شماره ۱۸۹۰۹.
۲۵. گزارش کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در مورد مرگ ستار بهشتی (۱۳۹۱/۱۰/۱۷)، مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره نهم، جلسه ۵۵، روزنامه رسمی، شماره ۱۹۷۹۳.
۲۶. هس، کارن؛ میلر، لیندا اس (۱۳۸۲)، پلیس در اجتماع، ترجمه رضا کلهر، ج ۱، ج ۱، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی ناجا.

ب) غیر فارسی

27. Adeleke, A.; Ni Aingleis, B.; Cooney, L.; Lynch, J.; Murray, N.; Sheedy, K. and Yousef, A. (2015), **Deaths in Custody; Is Ireland's Investigative Process Compliant with Article 2 of the European Convention on Human Rights?**.
28. Amnesty International (1997), **Australia- Death in custody: How many more?**.
29. Angiolini, E. (2017), **Report of the independent review of deaths and serious incidents in police custody.**
30. Beckett, C. (1999), "Deaths in custody and the inquest system", *Critical Social Policy*, 19(2), pp: 271-280.

31. Chavalier-Watts, J. (2010), "Effective investigations under article 2 of the European Convention on Human Rights: securing the right to life or an onerous burden on a State?", *European journal of international law*, 21(3), pp: 701-721.
32. Easton, j. (2017), **The impact of bereaved family participation in the inquest process in England and Wales following a death in custody**, Doctoral dissertation, University of Essex.
33. *Edwards v UK* (2002), 35 EHRR 487.
34. European Court of Human rights (2018), **Guide on Article 2 of the convention – Right to life**.
35. International committee of red cross (2013), **Guidelines for investigating deaths in custody**.
36. House of Lords/House of Commons Joint Committee on Human Rights (2004), **Deaths in Custody**, Third Report of Session 2004–05.
37. Independent office for police conduct (2017), **Deaths during or following police contact**, statistics for England and Wales 2017/18.
38. INQUEST (2016), **Trust, justice and accountability**, INQUEST's submission to CQC Review of investigations into deaths in nhs trusts.
39. Lindon, G. and Roe, S. (2017), **Deaths in police custody: A review of the international evidence**.
40. Marc Bollmann; Morris Tidball-Binz; Bernice Elger and Patrice Mangin (2018), **Investigation of death in custody, monitoring Detention, Custody, torture and Ill-Treatment**
41. Martynowicz, A. (2011), "Oversight of prison conditions and investigations of deaths in custody: international human rights standards and the practice in Ireland", *The Prison Journal*, 91(1), pp: 81-102.
42. Review of the investigative process following a death associated with police contact (2011).
43. Rogan, M. (2012), **Deaths in prison custody: Information for Families and Others Affected**.
44. Shaw, H. and Coles, D. (2007), **Unlocking the truth: Families' Experiences of the Investigation of Deaths in Custody**. Inquest.
45. The Minnesota protocol on the investigation of potentially unlawful deaths (2016).
46. Wangmo, T.; Ruiz, G.; Sinclair, J.; Mangin, P. and Elger, B. S. (2014), "The investigation of deaths in custody: a qualitative analysis of problems and prospects", *Journal of forensic and legal medicine*, 25, pp: 30-37.